

## دموکراسی برای ایران خودمختاری شورائی برای ترکمنستان ایران

### گامی تاریخی در راه صلح

بعد از ۶ سال مذاکره ، بالاخره قرار داد تاریخی صلح بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا ، این دو ابر قدرت جهان ، منعقد گردید . انعقاد قرار داد موجی از شادی و مسرت در سراسر جهان بویژه در شوروی و آمریکا به راه انداخت . میخائیل گورباچف ، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رونالد ریگان ، رئیس جمهوری آمریکا ، بر سر نابودی موشکهای میانبرد هسته ای به توافق رسیده ، روز ۸ دسامبر ۱۹۸۷ میلادی فرار - داد تاریخی صلح را امضاء کردند . امضای قرار داد صلح توسط گورباچف و ریگان را باید آغاز مرحله نوینی در زندگی بشریت دانست . این قرار داد بشارتگر زندگی صلح آمیز انسانها در کشورهای با نظامهای اجتماعی متفاوت و گاه متضاد است . انعقاد قرار داد صلح نشان داد که میتوان در راستای استقرار صلح در سطح جهان ، از صریح همکاری و در پیشتز گرفتن مذاکرات بجای رقابت و خصومت و دامن زدن بتشنجات و حتی ایجاد درگیریها ، موفق به خلیه سلاح و نابودی موشکهای هسته ای شد . امضای قرارداد صلح که توسط صرفین قرار داد بعنوان امید و موفقیتی بزرگ ارزیابی شده است ، در واقع اولین قدم بزرگ در راه حل مسئله خصیر خلیه سلاح عمومی است . تا وقتی که هنوز موشکهای اتمی قاره پیما موجود هستند و کیهان را جنگ ستارگان تهدید می کند ، زندگی صلح آمیز بشریت در مخاطره است .

بعد از پایان دور مذاکرات ، گورباچف و ریگان صراحتا اظهار داشتند که هنوز مسائل عدیده ای باقی مانده است تا حل شوند . لذا بقیه در صفحه ۴

### اعلام بسیج از طرف خمینی علیه مردم ایران

در پی استیصال شورای عالی پشتیبانی جنگ " در تأمین نیرو و امکانات مالی ، جهت ارسال به جبههها ، این شورا بعد از "مشورت و صلاح دیدانه جمعه و علما" و مسئولان دولتی و نهادهای انقلابی " ، دست به دامان خمینی شد . خمینی نیز بلافاصله با دادن جوابیه ای کوتاه و با طرح مجدد اینکه "جنگ در رأس امور واقع است" فرمان بسیج عمومی را صادر و به "شورای عالی پشتیبانی جنگ" در این رابطه اختیار تام داد . بدنبال جوابیه کوتاه خمینی ، شورای عالی پشتیبانی جنگ نیز دستورالعملی بدین ترتیب فرمان بسیج سراسری که چیزی جز "بسیج جنگی علیه مردم ایران جهت غارت هر چه بیشتر و سوق دادن آنها به جبهه های بی بازگشت و صرف تمامی تولیدات جامعه در بقیه در صفحه ۴

### درگرامیداشت جنبش ۲۱ آذر خلق آذربایجان

جنبش ۲۱ آذر بزرگترین افتخارات تاریخی خلق آذربایجان است . این جنبش که نقطه اوج آگاهی ملی و انقلابی خلق آذربایجان بود ، میرفت تا این خلق را از قیودستم ملی و صبقاتی و اسارت امپریالیستی برهاند .

جنبش ۲۱ آذر خلق آذربایجان ایجاد جامعه ای دموکراتیک ، برجیدن بساط حکومت ارتجاعی ، ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم در ایران و دستیابی به حق تعیین سرنوشت ملت آذربایجان بدست خویش را در نظر داشت . هر چند مدت ها بود که آذربایجانها پرورسه نخل یابی بصورت ملت را پشت سر نهاده بودند ، منطقه آذربایجان حتی در سالهای ۸۸-۱۲۸۷ منطقه پیشرو ایران بشمار می آمد ، ولی هنوز موفق به حل بقیه در صفحه ۱۱

#### در این شماره :

بمناسبت روز همبستگی جهانی با خلق فلسطین در صفحه ۳

تاریخچه مسئله ارضی در ترکمنستان ایران در صفحه ۵

اعلامیه کردهای مبارز شمال خراسان در صفحه ۷

دوبدهای جهان در صفحه ۱۲ ترنم ترانه ای از اعماق قرون در صفحه ۲

## تورنم ترانه ای از اعماق قرون

الحرفاتی را آینه زیبایی روح زنان ترکمن پنداریم ، ناسنجیده سخن نگفته ایم . تاریخ بد این سؤال که هنر قالیبافی در چه زمانی پدیدار گشته و چه دورهای از تکامل خویش را بدست سر نهاده است ، هنوز پاسخ قطعی نداده است .

قالی ای که در سال ۱۹۴۷ میلادی در محله "پازریق دپه" آلتای کشف شده در روشن شدن برخی از نقاط تاریخ هنر قالیبافی شاهنشینان توجه ای می کند . متخصصان قالی - ستان ، ابتدا بر این تصور بودند که ایسر هائی ، که تاریخ بافت آن به قرن سوم قبل از میلاد بر می گردد ، از شاهکارهای هنسری ایرانیان قدیم است .

در سومین شماره مجله آذری زبان "کو - بیستان" که در سال ۱۹۸۳ منتشر شده مقاله ای از نجات دیاریکری ، مورخ ، تحت عنوان "قالی پازریق" درج شده بود . ایسر مورخ بدنیاز بررسی دقیق تکنیک و هنسری زندگی ، پژوهش در اصراف نحوه کار پسر - ستان را گولها با توجه به ویژگی رنگهای بکار برده شده در این قالی و مقایسه آن با قالی - های کنونی ترکمنی به این نتیجه می رسد که : قالی پازریق ، که یکی از قالیهای مشهور دنیا است ، محصول دوره ای است که در آن دوره هنر قالیبافی در بین ترنمنها ، که اکنون در آبهای میانه زندگی می کنند ، آغاز شده بود . بررسی دقیق قالی پازریق صحت این ادعا را بد اثبات می رساند . مطالعه "موشکافانه این قالی عشیق" حتی در روشن شدن بعضی از جوانب تاریخی و انتیکی خلق ترکمن نیز مطالبی را ارائه می دهد .

در وسط قالی پازریق ۲۴ گؤل مربع شکل نقش بسته است . این گؤلها به چهار ردیف شش تایی تقسیم شده اند . بر اساس منابع قدیمی چینی ، اغوزخان ، از نیایان اولیه ترکمنها ،

در دوره ای که قالی پازریق بافته شده ، در مثل پازریق زندگی می کرده است . در منابع تاریخی آمده است که اغوزخان صاحب شش پسر بوده که هر یک از آنها نیر بنوبه خود دارای چهار فرزند بوده اند . بنابراین باید فلسفه گنجانیده شدن ۲۴ گؤل در قالی پازریق را در تعداد فرزندان و نوه های اغوسوزخان جستجو کرد . این گؤلها در هنر قالیبافی بد "گؤلهای ترکمنی" معروف بوده و شهرت جهانی دارند . در درون گؤلها با غرافت خاصی تصویر "تیر و کمان" بافته شده است . سخنرستان تیر و کمان در قالی پازریق دلالت بر روح مبارزاتی و قدمت خلق ترکمن دارد .

در کتاب "اغوزنامه" که در ادبیات مشرق - زمین جای خاصی دارد ، آمده است که اغوز - شان با درک اهمیت حیاتی برقراری اتحاد بین فرزندان خود و به قصد جلب توجه آنها بپسارین امر مهم ، شان غلای خود را به سه پسر ارشد و تیرهای نفرهای آنها به سه نفر بقیه می سپارد . ضعیف است که شان بدون تیر و تیر بدون کمان کاربرد نمی خواهد داشت .

در قالی پازریق ، به غیر از گؤلهای پید شده گؤلهای دیگری نیز بافته شده اند که : شکل ترکیهای بالدار را دارند . آوردن گرگ - های بالدار در این قالی نیز بسرای خود فلسفهان دارد . اغوزهای قدیم گؤلها را حیوانی مندر می بنداشتند . در کتاب "اغوزنامه" که در دوران باستان نوشته شده و سپرد در قرن هشتم میلادی به خط اوغوری نسخه برداری شده آمده است که مبارزات اغوزخان توسط یک گرگ رهبری می شده است . ضرب المثلهای زیر که هنوز هم توسط ترکمنها نقل می شوند حکایت از معتقدات قدیمی این خلق دارد : "غورت گلدی ، غوت گلدی" (گرگ با خود مزده آورد) ، "غوردی ئوره نینگ یوزی مبارک" (نکوست آنکر که چشمش به روی گرگ افتاد) .

نقش بستن دو بال بر تن گرگ نیز بساز فلسفه خود را دارد . اغوزها پرندگان را نیز از زمره حیوانات مقدس به حساب می آوردند . در اغوزنامه همچنین نوشته شده که اغوزخان به هر یک از پسرانش یک پرند ه "شکاری به عنوان پرند ه" مندر هدی ه کرده است . این پرندگان عبارت بوده اند از : بورگوت ، لاجین ، غشقی ، اوتنگلی ، سونقار و غارچنغای .

گنجاندن گؤلهای فوق در قالی که بالهام از معتقدات اغوزها صورت گرفته ، مهارت هنری و روح خلاق زنان ترکمن را نشان می دهد .

علاوه بر گؤلهایی که شرح آنها رفت ، تصویر ۲۴ رأس گاو تر (اگولوز) نیز در قالی پازریق نقش بسته است . مورخین معتقدند که نام اغوزخان از اولوز (گاو تر) مشتق شده است . در کتاب "اغوزنامه" نیز ابتدا تدویر در گاو تر ترمیم شده و سپس به نوشتن متن آن پرداخته شده است . تصویر ۲۴ رأس گاونری که در قالی بافته شده ریشه انتیکی دارد .

عبارت منابع تاریخی ، ترنمنها اغوز به ۲۴ گروه عسیر می شده اند . به هر یک از این گروه ها نام یکی از نوه های اغوزخان نهاده شده برده . از مطالعه گؤلهای منقش در قالی چنین استنباط می شود که گروه بندی بیست و چهار - نامه فوق یا نشان دهنده تسلسل نسلهای اغوزخان بوده و یا در واقع ۲۴ نوه اغوزخان بوده است . در دوران باستان ، هنگامی که دختران و عرمدان ترکمن تصاویر گاوهای نسر را بر روی قالی نقش می کردند ، خود نیز ایتکار عمل بخرچ داده و نقش نوی می آفریدند .

گؤلهای منقش به گرگهای بالدار و تیر و کمان در قالی پازریق ، مرتب تکرار می شوند . در فواصل این گؤلها گؤلهای دیگری که با تصاویر اسبها و اسب سواران نقش بسته اند نیز جلب توجه می کنند . این تصاویر حرکات گوناگون بقیه در صفحه ۸

## بهنا سبت روز همبستگی جهانی با خلق فلسطین

امپریالیسم بریتانیا که سالیان دراز خلسه فلسطین را تحت "میمویت" خود داشت، با توجه به رشد روز افزون مقاومت این خلق و گسترش جنبش‌رهای بحشر فلسطین، عاجز از حل سیاسی و نظامی مسئله فلسطین، سازمان ملل متحد را به یاری طلبید. در آوریل ۱۹۴۷ میلادی بود که دولت بریتانیا "حل" مسئله فلسطین را به سازمان ملل واگذار نکرد. بدنبال نشستها و بخشهای صوفانی، سازمان ملل تنها راه حل مسئله فلسطین را در تقسیم سرزمین فلسطین به دو کشور فلسطینی ها و یهودی ها دید. بر اساس صرح سازمان ملل متحد که به "صرح تقسیم" معروف شد، میبایست دو دولت مستقل فلسطینی ها و یهودی ها در سرزمین فلسطین تشکیل می‌گردید و اورشلیم بختوان "منصه آزاد" بیطرف شناخته می‌شد. این صرح در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رأی کشورهای عضو گذاشته شد. دو سوم اعضا مجمع عمومی منجمله اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا به صرح مزبور رأی مثبت دادند. دولتهای ایران، هندوستان، یوگسلاوی خواستار اداره فلسطین بشکل فدراسیون توسط فلسطینی ها و یهودی ها با به رسمیت شناختن اورشلیم بعنوان پایتخت شدند. بر اساس "صرح تقسیم" قرار بود دو دولت جدید فلسطینی ها و یهودی ها در اول اوت ۱۹۴۸ میلادی اعلام موجودیت بکنند. "صرح تقسیم" سازمان ملل با مخالفت شدید فلسطینی ها و کشورهای عربی مواجه گردید. یهودی ها ولی بنابه دلایل تاکتیکی از این طرح استقبال کردند. صهیونیستها قصد داشتند ابتدا با تشکیل دولت خود در دل سرزمین فلسطین همه فلسطینیها را از قلمرو خود بیرون رانده و این کشور را از وجود اعراب "پاک" کنند و سپس بعد از تحکیم و تثبیت خود در منطقه سیاست صهیونیستی و کشورگشایانه، خویش را دنبال کنند.

در میان سازمانهای سیاسی فلسطین و نیز شورهای دوست خلق فلسطین در رابطه با " طرح تقسیم" سازمان ملل، دو نظر کاملاً متفاوت وجود داشت. گروهی موافق این صرح بوده و صرفدار تشکیل دو دولت در سرزمین فلسطین بودند. این گروه از این نقطه نظر حرکت میکرد، از آنجا که تجربه نشان داده است یهودیها و اعراب ساکن سرزمین فلسطین نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند با هم زندگی کنند<sup>(۱)</sup> بنا بر این تنها آلترناتیو، تشکیل دو دولت مستقل فلسطینی ها و یهودیها در یک سرزمین است. در حالیکه دو ملت خواهند در چهار-چوب مرزهای یک دولت و تحت قوانین و مقررات آن با هم زندگی سالم‌آمیزی داشته باشند، حق مسلم آنهاست که دولتهای مستقل خود را تشکیل دهند. گروه مخالف " طرح تقسیم" معتقد بود که سرزمین فلسطین تنها به خود فلسطینیها تعلق دارد و صهیونیستها نمی‌توانند هیچگونه ادعای ارضی و تشکیل دولت یهودی در این سرزمین داشته باشند. فلسطین نمی‌تواند و نمی‌خواهد به مشکل گشای معضلات یهودیهای جهان تبدیل شود<sup>(۲)</sup>. شایان ذکر است که اولین گروه مهاجر یهودی به اسرائیل در سال ۱۸۸۲ وارد خاک فلسطین شد. این گروه از یهودیها که در کشورهای اروپای شرقی زندگی میکردند، تحت فشار سیاستهای ضد افنیتهای ملی و مذهبی مجبور به ترک دیار خود شده بودند. در آن ایام در سرزمین فلسطین، که بعنوان بخشی از خاک سوریه تحت سلطه امپراطوری عثمانی قرار داشت نزدیک به ۵۰۰۰۰ نفر زندگی میکردند که تنها ۵۰۰ تن آنها یهودی بودند<sup>(۳)</sup>. صهیونیستها و امپریالیستها با دستاویز قرار دادن "سرزمین موعود" آمده در تورات، به سرازیر کردن یهودیها از اقصای نقاط جهان به سوی سرزمین فلسطین پرداختند. تصویب "صرح تقسیم" در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ در مجمع عمومی سازمان ملل نه تنها کمکی به

حل مسئله فلسطین نکرد، بلکه به فاصله بعد از اعلام آن، برخورد های مصلحانه بین فلسطینیها و یهودیها آغاز گردید. از این تاریخ به بعد، سرزمین فلسطین به صحنه برخورد های خونین بین یهودیها و فلسطینیها تبدیل شد. گروههای ترور یهودی با بقتل رساندن فلسطینیها و نیز تجاوز به زنان فلسطینیها چنان جو اعراب و وحشی ایجاد کرده بودند که اکثر فلسطینیها برای حفظ جان و ناموس خویش، و فرزندان خود، تنها راه چاره را در ترک هرچه سریعتر سرزمین خود و پناه بردن به کشورهای عربی همسایه دیدند. در عرض یکسال قریب به یک میلیون فلسطینی خاک وطن خویش را ترک کردند. این در واقع همان چیزی بود که صهیونیستها طالب آن بودند. با اعلام موجودیت دولت جدید اسرائیل در ۱۴ ماه به ۱۹۴۸ توسط دیاوید بن گوریون، سیاست ترور و اخراج فلسطینیها رسدیت یافته. با تشکیل دولت اسرائیل، که محصول سالیان طولانی سیاست استعماری بریتانیا و نیز امپریالیسم آمریکاست، روزهای تلخ و خونین خلق فلسطین آغاز گردید. خلق ستمدیده فلسطین از تاریخ ظهور این دولت شوم لحظه‌ای آرامش نداشته و هر روز شاهد شهادت فرزندان خود بوده است. دولت اسرائیل که انجام برنامه، دراز مدتی را در برابر خود ترسیم کرده بود، از بدو تشکیل هییه مرز دولتی برای خود قائل نشد. بن گوریون، بنیانگذار این دولت، در این رابطه گفته بود: "هیچ چیز ما را به تعیین مرز موظف نمی‌کند. ملتی که استقلال خود را اعلام می‌کند، مجبور نیست مرزهای خود را اعلام کند. از آنجا که ما نمی‌دانیم این مرزها بینه دجا منتهی می‌شوند، لازم نبود چیزی در این باره گفته شود"<sup>(۴)</sup>. سیاست توسعه طلبانه صهیونیستها را صریحتر از این نمی‌توان بیان داشت. دنبال کردن سیاست جنگ و اشغال بقیه در صفحه ۹

گامی تاریخی ...

انعقاد قرارداد صلح جو حاکم بر روابط دو کشور را بهبود بخشید و حتی روابط شخصی بین دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رئیس جمهوری آمریکا نیز مستانه شده است؛ بگونه‌ای که آنها همدیگر را میخانیزل ورن خطاب می‌کردند!

طرفین قرارداد توافق کردند، قرار داد صلح شامل ۱۷ اصل در ۶۶ صفحه است، بایستی در دو مرحله به مورد اجرا گذارده شده و طی این دو مرحله تمامی موشک‌های میانبرده‌ای نابود گردند. عبارات دقیقتر، در مرحله اول که محدوده زمانی اثر حد اکثر ۲۹ ماه از زمان عملی شدن قرارداد تعیین شده است طرفین قرارداد حد ندارند بیشتر

از ۱۷۱ کلاهک هسته‌ای در اختیار داشته‌باشند. در مرحله دوم، که برای مهلت سه ساله از زمان پیاده شدن قرارداد قائل شده‌اند، باید کلیه موشک‌ها و میانبرده‌های نابود شوند.

فرار داد صلح میان آمریکا و شوروی از طرف پیمانهای نظامی ورتو و ناتو نیز مورد تأیید واقعند. اعضای ناتو ورتو تأکید کردند که نابودی موشک‌های هسته‌ای باید با نظارت نمایندگان و کارشناسان دو لتهای طرفین فرار داد انجام پذیرد.

از سوی دیگر انعقاد قرارداد موقعیت سیاسی رونالد ریگان را که بدنیال رسوایی ماجرای "ایران گیت" به مفاخره افتاده بود، بهبود بخشید و ایجاد حملات اقتصادی

مخالفت نسبت به وی را کاهش داده است. حتی صحبت از آن است که ریگان بعنوان رئیس جمهور صلح آمریکا شناخته شود. میخانیزل لوریا جف که از زمان انتخاب شدنش به دبیر نلی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به رفرمهای بسیاری در زمینه‌های مختلف جامعه شوروی دست زده و در صلح بین المللی نیز ابتکار عمل در زمینه صلح را در دست دارد، مبتکر این قرار داد بود. است. انعقاد قرارداد صلح که امید بزرگی در دل صد هها میلیون انسان برانگیخته است، هر چند سود اول، ولی قدم تاریخی است در راستای انعقاد دیگر فرار داد های صلح و نابودی تمامی موشک‌های اثر از هر نوع آن.



اعلام بسیج از ...

راه مقاصد جنگ افزونه رژیم ولایت خیزی نیست، آثار گردید.

با توجه به سواهد موجود و زمینه های قبلی آن، دلایل اصلی رژیم در اعلام بسیج سراسری را میتوان به صورت زیر دسته بندی کرد:

اول: رژیم در "بحران" خلیج که خود نقش اساسی در بوجود آمدن آن داشت، تا آنجایی که توانست با شعارهای "ضد امپریالیستی" و "انمودن جنگ، بحران جنگ با آمریکا در میان مردم، از احساسات ضد امپریالیستی و مذهبی توده ها استفاده، تبلیغی لازم را کرده و اکنون زمان بهره برداری از آن برای رژیم فرا رسیده است.

ثانیا: رژیم از دو جهت زیر فشار خارجی و داخلی برای پذیرش صلح و یا ادامه جنگ، یعنی با دو ضمون متناقض قرار گرفته است. از یکسو رژیم، از طرف مجامع بین المللی و کشورها و نیروهای صلح طلب جهان، جهت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد، برای برقراری آتش بر و عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین دو کشور، تحت فشار است؛ و از

سوی دیگر رژیم از طرف بخشی از نیروهای داخلی خود که در "جنگ" با آمریکا خواهان "تراش" رفتن از سطح شعارها و "عدا عقیب نشینی" در مقابل آن هستند تحت فشار است. بعنوان نمونه، محتسبی وزیر کشور رژیم، در سخنرانی خود کسانیرا که در پی هدالحه و سازش با آمریکا هستند بتندت مورد نکوشر قرار داد و انتقاد هایی که برخی از وزرای کابینه، میسوی و حملات لفظی دانشجویان به اصطلاح خص امام در برگزاری کنگره اتحادیه دانشجویان مسلمان به رفسنجانی کرده اند، مؤید این امر است. در این مورد خواه صیبعی است که شکش و درگیری جناحهای مختلف حاکمیت بر سر استفاده از وجود جنگ جهت کسب قدرت بیشتر هر یک از آنان عمل میکند، نه صلح خواهی و گرایست ضد امپریالیستی. یکی از جناحها، جناحهای ضد مردمی درون حاکمیت مدتهاست که خود را برای تصاحب انحصاری قدرت بعد از مرگ خمینی آماده کرده اند. هر چند قبضه انحصاری قدرت توسط یک جناح، با توجه به وضعیت گروههای درون حاکمیت و صغبندی آنها، بعید بنظر میرسد، لذا هر عملی که در شرایط فعلی صورت میگیرد در

این راستا عمل میکند. اکنون رژیم میخواهد با آغاز مجدد حدمات وسیع در جبهه ها، از یکسو تمامی اقدامات بین المللی را تحت الشعاع آن قرار دهد و از سوی دیگر از فشار داخلی بعضی از عناصر "تندرو" که خواهان ادامه بحران خلیج و "فاضعیت" در مقابل آمریکا هستند بپا همد.

ثالثا: جمهوری اسلامی که با استقبال از درگیریهای محدود با آمریکا در خلیج و کشور های حوزه خلیج فارس بخصوص با کریمت، بخاطر اهداف معینی که در شماره های قبلی ارگان به آنها اشاره شد، این آبراه بین المللی را که برای کشورهای منطقه حیاتی و برای سایر کشورهای جهان آبراه مهم نفتی بشمار میآید، عملا با اخلال مواجه ساخته و با اعتراض و فشار بین المللی مواجه شده است. اکنون جمهوری اسلامی جهت کم کردن این فشار، سعی در گسترش جنگ در خشکی را دارد که این نیز مستلزم بسیج نیرو و امکانات مالی جدید میباشد. حملات ناقص جمهوری اسلامی بنامهای ظفر ۸ و ۹ چند روز بعد از دادن فرمان بسیج عمومی از طرف خمینی، در تعقیب این سیاست جنگی رژیم بود. بقیه در صفحه ۸

تاریخچه مسئله ارضی در ترکمنستان ایران (قسمت آخر)

”مکانیزه شدن کشاورزی“

”تقسیم و فروش“ اراضی ترکمنصحرا از طرف شاه، وجود اراضی وسیع و حاصلخیز، شرایط اقلیمی مناسب جهت کشت مکانیزه و هجوم بورژوا ملاکان و مقامات لشگری و کشوری، باعث شد که ترکمنصحرا زودتر از سایر نقاط دیگر ایسران ”مکانیزه“ گردد. از سوی دیگر، مالکین محلی ده از سالهای ۳۲۱ او ۳۲۹ صاحب زمین شده بودند، جهت معافیت آن از اصلاحات ارضی سرعت دست به مکانیزه کردن زمینها زدند. چونکه در اجرای مرحله دوم قانون ۱۳۲۹، بعد از کودتای ۲۸ مرداد، ضیق تبصره‌های ۴ و ۵ ماده یک مواد الحاقی و ماده سوم قانون اصلاحات ارضی، زمینهایی که عنوان ”مکانیزه“ داشتند مشمول مقررات قانون اصلاحات ارضی نمیشدند. بدین ترتیب از سالهای ۳۰، ترکمن صحرا از یکسو شاهد ورود ماشین آلات و به همراه آن بورژوا - ملاکان و دیگر غاصبین زمین بود، که این روند بعد از کودتای ۲۸ مرداد با تشدید وابستگی ایران از یکسو و از سوی دیگر با تشدید غصب، فروش و یورش زمین خواران تسریع گردید. همچنین در آن سالها در تعقیب سیاستهای ضد ملی رژیم جهت بهمزدن ترکیب جمعیتی منصفه و اسکان غیر بومیها در ترکمنصحرا، و جهت روبرو قرار دادن زحمتشان سایبر خلقها با خلق ترکمن، ترکمنصحرا شاهد سرارزیر شدن بلاوقفه کارگران زابلی، بلوچ، کاشمری، سرخسی و ... بود. رژیم شاه نمود کارگران غیر بومی به منصفه ترکمنصحرا را ترغیب و تسویق می کرد.

اسفند ماه سال ۱۳۳۴، بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی تأسیس گردید و بعنوان واسطه‌ای بین کمپانیهای وارد کننده ماشین آلات و زمین داران بزرگ در منطقه فعالیت خود را شروع کرد. در معاملاتی که این بنگاه انجام میداد، ”حق دلالی“ و ”کمسیون“ که کمپانیهای وارد کننده به متصدیان آن میدادند، همه چیز را تحتالشعاع خود قرار میداد. این بنگاه از یک سو با ایجاد تسهیلات و دادن وامهای سهل الوصول برای زمینداران بزرگ جهت خرید ماشین آلات کشاورزی بوسیله آنان و از سوی دیگر با ایجاد موانع متعدد از قبیل داشتن ضامن معتبر، تضییع بانکی و غیره در مقابل خرده مالکین و اعضای تعاونیهای ملی، از خرید ماشین آلات کشاورزی بوسیله آنان مانعست. بعمل میآورد. در آن سالها در کنار ماشینیزه شدن زمینهای بزرگ بورژوا - ملاکان، قشر جدیدی که فقط صاحب ماشین آلات کشاورزی و فاقد زمین بودند، بوجود آمد. این قشر با فروش تمامی مایعلا خود و با رفتن به زیر وامهای سنگین بانکها، تحت تأثیر رواج ماشین آلات کشاورزی در ترکمنصحرا، با اندک سرمایه خود اقدام به خرید آن کرده بود. تعداد زیادی از این افراد بدلیل عدم تصابق ماشین آلات با شرایط اقلیمی ترکمنصحرا از یک سو و در نتیجه، از بین رفتن ماشین آلات، و از سوی دیگر به دلیل ناتوانی آنها به رقابت با برک مالکانی که هر یک دارای چندین ماشین آلات کشاورزی بودند، بزودی ورشکسته شدند.

انحصارات صادر کننده ماشین آلات کشاورزی، با استفاده از همه تسهیلات دولتی و امتانات تشویقی آن، ترکمنصحرا را بمنابسه بازار داخلی خود به جولانگاه خود درآوردند. در سال ۱۳۳۳ بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران، رأساً فروش ماشین آلات کشاورزی کمپانیهای صادر کننده را بر عهده گرفت و در

دستیابی به بازار ماشین آلات کشاورزی در ترکمنصحرا بشدت با هم به رقابت پرداختند. در این رقابت که بوسیله انحصارات خارجی و نمایندگیهای آنان بوجود آمده بود، تنها چیزی که مطرح نبود، امکان استفاده خریدار و تنایب ماشین آلات با شرایط اقلیمی ترکمنصحرا بود. هیچیک از این کمپانیها جهت آموزش صر استفاده از ماشین آلات جدید اقدام به کلاسهای آموزشی برای خریداران و یا اقدام به ایجاد تعمیرگاههای مدرن در شهرهای بزرگ منصفه و یا در روستاهای مرکزی و یا دست به ایجاد مراکز فروش لوازم یدکی مربوط به ماشین آلات وارداتی خود نزدند. بدین ترتیب در ترکمن صحرا انواع و اقسام ماشین آلات از نمایین و تراشور گرفته تا سایر ماشینهای مربوط به کشاورزی و آبیاری، از اقصی نقاط جهان که حتی در خود آن کشورها هیچگونه صرفی نداشت بفرش رفت. جدول زیر که مربوط به سال ۱۳۴۶ میباشد گویای این واقعیت است (۱).

کشور وارد کننده	مارکهای متفاوت تراشور	تعداد
انگلستان	نافیلد، دیوید - براون، افوردسن، میسر فرکسون	۱۳۱۳
آمریکا	ایسیر، آلیس جالمرز اولیور، مینیا پولیسر	۷۰۱
	انترناشر، جان دیسر	
آلمان غربی	مان، فنت، دو - یتر، ایمونوک، هانوماک، پرشر دیزل	۹۶۹
ایتالیا	فیات - سامه	۷۱
سوئد	بی - ام، بولیندر	۲۸۶
اطریش	اشتایر، آلیس	۸۸
رومانی	یونیورسال	۱۰۹

بقیه در صفحه ۶

مکانیزه شدن ...

جنو -	۱۱۰
سلواکی	
جمع ۳۷۴۴ دستگاه	

شماره وارد شده	مارکهای کمابین	تعداد
آرمینا	جان دیر، مینیا - یولیر، لیب، کلینر (آلیر جالمرز)، اولیور	۳۲۵
انگلتان	میسو فرگوسن	۳۲۵
اوسیر	استایر	۶
سوئد	بولیندر	۱۳
ژانادا	تاکسات	۲
جمع ۶۶۷۳ دستگاه		

عده مسایل و ادوات مربوط به استخراج آب و آبیاری نیز مورد تاراج انحصارات رنگارنگ از اقصی نقاط جهان بود. نصب موتور پمپ و حفر چاه در ترکمنصحرا، باپایان بخش زمینها شدت بیسابقه ای یافت. تا چنانکه تنها تا سال ۱۳۴۵ هزاران موتور پمپ بر رودخانه های گرگان و اترک بیش از صرفیت آنها نصب گردید و ۱۱۷۰ حلقه چاه عمیق و ۵۰۰ حلقه چاه آرتزین و ۳۴۱۸ حلقه چاه آمریکایی یا بتونی در این منطقه ایجاد شد. در نتیجه با خشک شدن رودخانه های گرگان و اترک هزاران رأس دام بیهلاکت رسیدند و روستاهای حاشیه رودخانه ها، نه تنها برای آبیاری مزارع کوچک خود، بلکه از تأمین آب آشامیدنی نیز محروم شدند. با ورود بی وقته ماشین آلات کشاورزی نیز که بیش از ظرفیت زمینهای دایر بود و بسا تسهیل آبیاری، بخاطر نبود ضابطه ای در نصب (۱) این آمار فقط مربوط به آمار تراکتور و شپاین هایی است که در آن سالها مشغول کار بودند و شامل تراکتور و کمباین های اسقاط شده و غیر قابل حفر بدلیل عدم تطبیق آنها با شرایط اقلیمی ترکمنصحرا و عدم دسترسی به وسایل یدکی آنان نمیشود.

موتور پمپ بر روی رودخانهها و حفر چاه و ... یورش بزرگ مالکان به مراغه ترکمنصحرا آغاز گردید. با زیر کش رفتن هزاران هکتار از مراغه در ترکمنصحرا و بهره گیری بیشتر از اندازه از آبیهای جاری و زیرزمینی، دامداری در ترکمنصحرا رو به نابودی گذاشت. بدینسان "مکانیزاسیون" کشاورزی نه تنها دامپروری را در زیر نگرفت و آنرا از اعتدال سنتی خود رها نکرد، بلکه موجبات نوال آنرا نیز فراهم آورد. اثر قبل از "مکانیزه" شدن کشاورزی تعداد دامهای ترکمنصحرا به ۳ میلیون رأس میرسید در سال ۱۳۳۲ به یک میلیون و سیصد هزار و در سال ۱۳۴۵ به اندکی بیش از یک میلیون رأس تغلیل یافت. "مکانیزاسیونی" که فقط جهت مارت هر چه بیشتر منابع صعبی و غصب اراضی ترکمنصحرا بویژه آمده بودند تنها دامداری را به نابودی رساند بلکه عرصه های دیگر زندگی اجتماعی را در زیر نگرفت. در سال ۱۳۴۵ که دیگر ترکمنصحرا "مکانیزه" شده بود ۸۳/۴٪ از مردان و ۹۹/۲٪ از زنان منطقه در پرده سواد بی سیر میگردیدند. در صورتیکه در حدود بیسوادی در بنیه مناطق ایران در آن سالها ۶۹/۵٪ بود و در همین سال برای هر ۹۸۷ نفر در ترکمنصحرا فقط یک تختخواب بیمارستان، در حالیکه در سایر نقاط ایران در همان سال برای هر ۹۴ نفر یک تختخواب بیمارستان وجود داشت (۱). همراه با "مکانیزاسیون" کشاورزی، پدید آمده جدیدی بنام سلف خری و ریاحواری به ترکمن صحرا راه یافت که سابقا عملکرد بسیار ضعیفی داشت. قسر جدیدی که فقط دارای سرمایه ریایی بودند شروع به مکیدن هستی خسرده مالکان و زمینداران متوسط و دامداران کردند. واردات فوق العاده کالاهای مصرفی مانند گوشت، گندم، برنج و میوه از خارج و بهره برداری مکانیزه بزرگ از طرف بزرگ مالکان در منطقه از سوی دیگر، خرده مالکین و زمینداران متوسط را با رقبای روبرو مساخت که هرگز خواب رقابت با آنها را نیز نمیدیدند. آنها بالاچاره نه تنها برای تأمین سرمایه گذاری

جهت رقابت بلکه جهت تأمین نیازهای مصرفی خود و هزینه کشت و برداشت محصول به سلف خران و ریاحواریان رجوع میکردند. نرسد بهره و سود در معاملات سلفی و نزولی تا ۲۰٪ می رسید و بعد از برداشت محصول، کشاورزان مجبور به پرداخت چندین برابر اصل آن بودند. این مسئله عاملی جهت ورشستگی و انتقال زمینهای خرده مالکان و زمینداران متوسط به سلف خران و نزول خواران در منطقه بود. ورشستگی خرده مالکان و زمینداران متوسط، با وجود آمدن انحصارات خرید پنبه، بعد از رونق پنبه کاری در ترکمنصحرا باز تنگ گردید. خرید "تخم پنبه" و "پنبه" محسوب "بدست دو گروه از صاحبان صنایع مربوطه افتاد نه بد لخواه قیمت پنبه را تعیین و خرده مالکان و زمینداران متوسط را به روز سیاه می نشانند. گروه اول عبارت از ۴ گروه صنعتی: گروه صنعتی بهشهر، متعلق به خانواده "نجوردی" و گروه دوم، گروه روغن نباتی قو که از شرکتهای تولیدی پارس و اصلس و خاور تشکیل میدهند و متعلق به خانواده "قاسیمه" بود، گروه سوم، گروه روغن نباتی جهان بود که اکثریت سهام آن متعلق به خانواده "غضنفر" بود. به این سه گروه باید شرکت اتکا را نیز افزود که وابسته به شرکت تعاونی ارتش بود. خرید و قیمت گذاری "تخم پنبه" در انحصار ذامل این گروهها بود. گروه خریداران "پنبه" محلول نیز فقط عبارت از سه گروه "علافیند و شرکا"، "نوسنیروانی و شرکا" و "برکت و شرکا" بودند که انحصار این کالا در دست آنها بود. به این دو گروه باید شرکتهای دیگری را که صاحبان آنها از بورژوا-ملکان بومی بودند افزود، که مهمترین آنها (۱) این آمار فقط نواحی غربی ترکمنصحرا موسوم به "دشت گرگان" را دربر میگیرد که تنها قابل تعمیم به کل ترکمنصحرا است بلکه در مناطقی حتی ارقام بیسواد و بهداشت و غیره بالاتر از این ارقام بود. بقیه در صفحه ۱۰

## اعلامیه کردهای مبارز شمال خراسان

اخیرا نامه ای به همراه اعلامیه ای با امضای "مبارزان کردهای شمال خراسان"، از رفقای نردمان بدستمان رسید. ما ضمن تشکر از این رفقا و آرزوی موفقیت برای آنها در مبارزه علیه استبداد فئودالی و سرمایه دمیستی، بویژه حیدر از مقاومت مهربانانه، برادران نرد شمال خراسان، نه از دیرباز در کنار برادران ترکمن خود علیه استبداد رژیم فئودالی، ماضی پستی پستی می کنیم. خلق فهردان کرده در نردستان ایران و چه در شمال خراسان حتی در سخت ترین شرایط تاریخی نیز در کنار خلق ترکمن قرار گرفته و بیدریز از آن حمایت کرده است. ما به این همبستگی صمیمی و تاریخی دو خلق برادر افتخار کرده، پیروزی و بهروزی آنها و دیگر خلقهای تحت ستم ایران را آرزو می کنیم.

هیئت تحریریه "ترکمنستان ایران" صبق درخواست رفقای کرد، به چاپ متن اعلامیه و نامه مبارزیت می ورزده، باشد که صدای رسای برادران نرد شمال خراسان بگوش همگان برسد! "مبارزان کردهای شمال خراسان، درود - های آتشین خود را نثار رهبران انقلابی و مبارز خلق ترکمن میسایند و آرزوی قلبی خود میدانند که خلق ترکمن و خلق نرد (ترمانچ) در سنگری واحد و در مقابل دشمن مشترک بشریت، امپریالیسم جهانی بسرزدگی امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن به رژیم مشترک بپردازند. با علم بدین مسئله که باید صدای فریاد خلقی را به گوش همگان رساند، ما گوشه ای از فجاجیه رژیم جمهوری اسلامی و نمونهای از ایستادگی خلق نرد (ترمانچ) را جهت چاپ در نشریه "ترکمنستان ایران" به آدر آن نشریه ارسال می داریم. از رفقا خواهشمندیم که در اسرع وقت در زینی از شماره های "ترکمنستان ایران" آنرا بچاپ رسانند.

با تشکر و با درودهای فراوان به تمامی مبارزین ترکمن  
"مبارزان کردهای شمال خراسان"

" کردهای شمال خراسان در حصار نظامی رژیم خمینی

جه انگیزه ای باعث شده است که رژیم خمینی در منطقه کردتین بدین گونه با حساسیت زیاد برخورد نماید؟ بیرون از منطقه تنها انگیزه رژیم خمینی، سرکوب ناراضیاتی روز افزون مردم نرد در این منطقه و فرونشاندن اعتراضات و ناخرسندی مردم است که تاکنون به انحای مختلف از طرف توده های کرد علیه رژیم سرور کرده است. از ابتدای انقلاب، خلق نرد به مشکل گوناگون، عدم پذیرش این رژیم را نشان داد، زیرا خلق نرد بنا به تجربیات صد ساله مبارزاتی خود واقف است که رژیم که با سوء استفاده قرار دادن باورهای مذهبی مردم سعی در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی خود دارند، به رژیم که نه تنها با خواست های مردم بیگانه است بلکه با آئین سازبهای مصنوعی از نوع ایدئولوژی فقهائی به تقابل پیدا این خواستها کشیده میسود. نمیتوان اعتماد کرد. نگاهی گذرا به پیرویه های ضعیف شده از بدو پیروزی انقلاب بهمین تاکنون، در منطقه نرد های شمال خراسان، بخصوص بعد از شروع جنگ خانمانسوز ایران و عراق، تمامی سیاست های غوامزبانه سردمداران رژیم در این منطقه، بویژه در اعزام نیرو به جبهه ها نقش بر آب شده است.

تاکنون این سیاستهای ضد خلقی رژیم و وضعیت اسفبار مردم منطقه، باعث شده تا نیروهای انقلابی کرد به مقابله با رژیم خمینی بشتابند. هر چند زندانیان نرد در منطقه ملو از زندانیانی است که تنها بجزم دفاع از خلق خود در بند هستند. رژیم خمینی جهت مواجهه با ناراضیاتی روز افزون خلق نرد و مبارزان نرد، این منصفه را بصورت یکسی از مناطق جنگی در آورده و به بسیج نیروی هر چه بیشتری جهت ارباب و سرکوب توده ها پرداخته است. اما خشم توده های مردم و شعله های خشم مبارزان نرد، هر روز پسر

لنهیبت تر میگردد. بنا به اعتراف سران رژیم، در این منصفه فریب به ۹۰٪ از مبارزان مشمول از معرفی خود به جبهه ها سرپا زده اند و بسیاری از آنها آواره شهرهای مختلف شده اند و یا به نوبستانهای خراسان پناه بردمانند. اکنون توده های مردم در این منصفه حتی عوامل رژیم را به روستاها راه نمیدهند.

با توجه به این وضعیت و آماده بودن شرایط جهت خروشر توده ها علیه خمینی در این منطقه، مبارزان نرد بسیج و پیگیری مبارزه سازمان یافته، خلق نرد (ترمانچ) را وصف کرده و ماجل خود دانسته و با عمل انقلابی خود در مقابل رژیم صمم به اعمال اراده خلقی هستند که غزه خود را برای سرنگونی این رژیم جزء کرده است. ما مبارزان نرد های شمال خراسان، اعلام میداریم که بیثار نهایی خود را جهت سرنگونی رژیم در کنار دیگر خلقهای ایران، به سرکردگی طبعه کارگر ایران، آغاز نموده تا با حرکت در سرنگونی رژیم خون و وحشت خمینی در کنار سایر نیروهای انقلابی و مترقی، نظامی نوین و عاری از استعمار فردای ایران را بنسازیم و صلح و آزادی را برای تمام مردم ایران به ارمغان آوریم.

### عمل غیر انسانی...

تسلیحاتی کشورهای امپریالیستی پیش کشیده شود، آنها براضی جنگ در دمراسی ادعایی خود میاندازند و چهره حقیقی خود را عریان میازند و با حمایت از جنایتکارترین رژیمها و معامله با رژیمهای تروریست پرور، نه تنها به تروریسم بین المللی رسمیت می بخشند بلکه آنها به سطح سیاست دولتی نیز ارتقا میدهند. قانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، اقدام دولت دست راستی فرانسه مبنی بر دستگیری و تبعید ۱۷ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و ۲ نفر از مبارزان ترک را بشدت محکوم میکند.

برقرار باد اتحاد خلقهای تحت ستم ایران!

### اعلام بسیج از ...

و اما در بسیج اقتصادی و انسانی جدید رژیم ، کاهش قدرت بسیج نیرو و املاات مالی رژیم جای ویژه ای دارد . جمهوری اسلامی با تعویض ساختار تولید کارخانه ها ، تولیدات آنها را در خط تولید وسایل نظامی انداخته است . بعد از شروع درگیریها در خلیج فارس و جنگ نفتکشها در خلیج ، درآمد ارزی نفت از ۲۰ میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار در سال سقوط کرده است . با توجه به هزینه های نظامی یک میلیارد دلاری جنگ در ماه و بسا اختصاص بیشتر از نیمی از بودجه سالانه رژیم

از تأمین کامل هزینه جنگ بیشتر از پیش عاجز مانده و با مشکلات عدیده ای در پیشبرد جنگ مواجه شده و تنها راه چاره را در یورش به ته مانده زندگی مردم یافته است . بسیج سراسری از طرف خمینی را میتوان نتیجه عملکرد این تناقض ها و بهره برداری عوامل فریبناهن آن از حضور آمریکا در خلیج فارس دانست . ولی مسلماً ارائه این راه حل که خود محصول تناقضات فوق میباشد ، در بعضی خود تناقضات جدید و مشکلات جدید تسری را برای رژیم ، با توجه به نفرت فزاینده توده های مردم از جنگ ظلمی رژیم و وضعیت اسفبار اقتصادی کشور ، به همراه خواهد آورد .

### بمناسبت روز همبستگی ...

مسئله فلسطین بطریق " نظامی " نبودند ، صهیون- نیستهای اسرائیلی نیز قادر نخواهند بود از این طریق این مسئله را " حل " کنند .

تنها راه حل مسئله فلسطین ایجاد دولت مستقل فلسطینیها در خاک فلسطین است ؛ و این ، حق مسلم خلق قهرمان فلسطین است .  
xxxxx

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به مناسبت ۲۹ نوامبر ، روز همبستگی جهانی با خلق فلسطین ، پشتیبانی خود از مبارزات حق - طلبانه این خلق قهرمان را اعلام کرده و آرزوی پیروزی برای سازمان آزادیبخش فلسطین ، این تنها نماینده قانونی خلق فلسطین می کند .

- ۱- اتحاد جماهیر شوروی و خاورمیانه (مسائل صلح و امنیت) ، صفحه ۴۴ ، چاپ مسکو
- ۲- هانس آلبرشت : فلسطینیها ، صفحه ۹۲ ، چاپ فرانکفورت ، ۱۹۸۲
- ۳- آ. و. نایالی : تاریخ مدرن ، صفحه ۱۱ ، چاپ لندن ، ۱۹۷۴
- ۴- و. پروتزر : تنازع خاورمیانه و مسئله فلسطین ، صفحه ۶۴ ، چاپ فرانکفورت ، ۱۹۷۹
- ۵- م. رودیشر : اسرائیل و اعراب ، صفحه ۳۹ ، چاپ لندن ، ۱۹۶۸
- ۶- نوا کومسکی : مثلث شوم ، ایالات متحده آمریکا ، اسرائیل و فلسطین ، صفحه ۴۴۱ ، چاپ لندن - سیدنی ، ۱۹۸۳
- ۷- عبدالله فراچی : سازمان آزادیبخش فلسطین و فلسطین ، صفحه ۲۷۷ ، چاپ فرانکفورت ، ۱۹۸۲

### ترنم ترانه ای ...

ریم را نشان میدهند . نجات دیار ترکلی معتقد است که نوع زمین و دیگر وسایل اسب سواری ، روش و عرفی آنها و نیز سرزگمره خسوردن انبهای دم اسبها ، با شیوه پرورش و نگهداری امروزین اسبهای ترنمنی مطابقت دارد . طرح اسبها و اسب سواران با ویژگیهای یاد شده ، بدنها توسط ترنمنهای سلجوق در هنر سفال سازی بکار گرفته شده . شایان ذکر است که در همان مائلی که قالی پازریق کشف شده یک اسب مومیایی شده نیز کشف می شود . در خوالفسکی ، اسب سناتور و تاریخه آن محدودت نیال مطالعات تصیفی دقیق در اضراف اسب مزبور به این نتیجه می رسد که " این اسب را اجداد اسبهای شونی ترکمنها محسوب

میکنند و دوست و پنجاه هزار گره در سطح بزرگ قالی پازریق وجود دارد . پر واضح است که چنین قالی ای به هدف مفروش کردن بافته نشده است . نجات دیار ترکلی معتقد است که قالی پازریق به منظور به نمایش نذاردن در مجالس مهم بافته شده بوده . ما نیز به سهم خود باید اضافه کنیم که این قالی بنابه آرم تاریخی - انتیخی بافته شده و چون نشی مقدس از آن حرادت بعمل آمده است . دالی پازریق هنوز تمامی " اسرار " نهان در خود را فاش نکرده است . از خلال هزاران گره ، قالی پازریق ، روح خلاق و هنر ظرفیت زبان ترنمن در دوران باستان ، در وجود کوهها ، نقش و نگارهای آن ، چون ترنم ترانسه ای بنوش می رسد .

### درکرامیداشت ...

حزب تودهای ، همواره در شمار خلق خویبتر باقیمانده و به تشکل مبارزان واقعی خلق آذربایجان و بسیج تودهای می پردازند ، قدر مسلم انقلاب بهمین به سر نوشت فعلی دچار نمی شد . خلق آذربایجان بگواهی تاریخ همیشه نقش پر اهمیتی در انقلابات ایران داشته است . انقلاب مشروطه و انقلاب

بهمین مؤید این ادعاست . کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ، یاد سهدای مهران جنبش ۲۱ آذر را کرامی داشته برای خلق آذربایجان پیروزی و بهر پیروزی آرزو می کند . ما معتقدیم که وارثان واقعی فرقه دودرات آذربایجان با بهره مندی از تجربیات خلق خود و خلق خویبتر ، موفق به حل مسئله ملی و صعباتی خلق آذربایجان خواهند شد .



### بمناسبت روز همبستگی ...

بحسب از خاک سورهای عربی ۵ ماهه، مجرده مصر و لبنان، محصول سیاست توسعه ضلیانه صهیونیستهاست. درست فردای تشکیل دولت اسرائیل بوده که امپریالیسم بریتانیا لغو "قیو - میت" خود را نسبت به خلق فلسطین را اعلام کرده و "حل" مسئله فلسطین را به دولت نوپنیا صهیونیستها واگذار نمود. برخی از کشورهای عربی که خواهان حل عادلانه مسئله فلسطین بودند، از آنجا که در قبال عمل انجام یافته‌ای فرار گرفته بودند، به دولت اسرائیل اعلام جنگ کردند. در این جنگ دولتهای مصر، اردن، سوریه، لبنان و عراق شرکت داشتند. با اولین جنگ اعراب و اسرائیلی‌ها، مسئله فلسطین از مسئله فلسطینی‌ها فراتر رفته و به مسئله خاور نزدیک تبدیل شد. غیرنرم اینده اسرائیل با پنج کشور عربی وارد جنگ شده بود، ولی به لحاظ تجهیزات نظامی و نیروی نفوذ در موضع برتری نسبت به صرف دیگر جنگ قرار داشت. در قیال ۴۰۰۰۰ سرب سرب اسرائیلی (۵) در جنگ شرکت داشتند. این جنگ جنگهای سالهای ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ را بدنبال خود داشت، که در نهایت برنده آنها دولت صهیونیستی اسرائیل بود. اگر چنانچه دول عربی درگیر جنگ با اسرائیل بصورت یکپارچه و مصمم در جنگ شرکت جسته و خواستار واقعی حل مسئله فلسطین می‌بودند، میتوانستند دولت اسرائیل را سر جای خود بنشانند. اختلافات درونی خود کشورهای عربی و زدوبند های پنهانی بنا صهیونیستها یکی دیگر از دلایل شکست در جنگ بود. همچنین برخی از کشورهای مترجع عربی ایجاد دولت مستقل و انقلابی فلسطینیها در منطقه را تهدیدی برای موقعیت سیاسی خود تلقی می‌کردند.

در ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ تشکیل دولت فلسطین متحد توسط حاجی امین حسینی اعلام گردید. دولت جدید فلسطین که در نوار غزه ایجاد شده بود، توسط کشورهای عضو اتحادیه عرب بغیر از اردن به رسمیت شناخته شد.

دولتهای اردن و اسرائیل در صی تماسها و مذاکرات محفی خود بر سر نابودی اولین دولت فلسطینیها به توافق رسیدند. در سال ۱۹۴۹ اولین جنگ اعراب و اسرائیل با اعلام آتش بس رسمی صرفین درگیر جنگ، به پایان رسید. با پایان جنگ، نوار غزه که فمرو دولت جدید فلسطین محسوب می‌شد به دولت مصر واگذار گردید. ملک عبدالله، پادشاه اردن نیز بنا الحاق فلسطین شرقی به اردن و اعلام این دو نصفه بعنوان کشور پادشاهی اردن هاضمی در سال ۱۹۵۰، به عمر کوتاه اولین دولت فلسطین خاتمه داد. بدینسان توطئه نابودی دولت فلسطین که توسط امپریالیستهای انگلستان و آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل با همکاری دولتهای مترجع عربی جیده شده بود، تحقق یافت.

اکنون بیش از ۳۰ سال از تصویب "صریح تنصیح" سرزمین فلسطین به دو دولت تشکیل دولت صهیونیستی می‌گذرد. صهیونیستها از فردای تشکیل دولت خود سیاست بیرون کردن فلسطینیها از سرزمین خود و "یاک کردن" فمرو صهیونیستها از وجود اعراب فلسطینی رایگیرانه دنبال کرده و از ارتکاب هیچ جنایتی در این عرصه خود داری نکردند. در طول ۳۰ سال حکومت صهیونیستها خلق ستمدیده فلسطین احظهای آرامش نداشته و هر روز شاهد بخون ظلیدن فرزندان خود و با خاک یکسان شدن خانه و کاشانه خویش بوده است.

دولت صهیونیستی اسرائیل که اکنون بمنابه جماق خارجی امپریالیسم آمریکا در خاور نزدیک بشمار میرود، با دنبال کردن سیاست شوونیستی، ملیتاریستی و کشورگشایانه خود به سد بزرگی در برابر جنبشهای مترقی و انقلابی منطقه و عامل سرکوب آنها تبدیل شده است. این دولت، که اکنون کاملا تثبیت شده است، از طرف تئورسینهای بورژوازی بعنوان چهارمین ابر قدرت نظامی جهان تبلیغ شده و بدینوسیله مقاومت خلق فلسطین در برابر آن را عبث پنداشته و آینده خلق فلسطین را تیره و تار ترسیم می‌کنند: "اسرائیل چهارمین ابر

قدرت نظامی جهان است؛ ۰۰۰ برعکس، فلسطینیها بعنوان یک ملت، چندان امید ی به زنده ماندن ندارند" (۶). یکی از جنایات فراموش ناشدنی این "چهارمین ابر قدرت" در حق خلق فلسطین حمله همه جانبه و ویرانگرانه آنها به بیروت و اردوگاهها، فلسطینیها در حوث لبنان است. هدف از این حملات وارد ساختن آخرین ضربه به خلق فلسطین و نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین، تنها نماینده واقعی و قانونی این خلق بود. یورش وحشیانه دولت اسرائیل به لبنان که در آژوئن ۱۹۸۲ آغاز گردید، هزاران کشته برجای نهاد و پایگاهها ها و مناطق مدونی فلسطینیها در بیروت را با خاک پشان نمود. هر چند رزمندگان فلسطین فهرمانانه در برابر این حملات ایستا - دند، ولی بعلت نابرابری فلسطینیها و تجاوزگران اسرائیلی و عدم حمایت کشورهای عربی از سازمان آزادیبخش فلسطین، ارتش اسرائیل موفق به اخراج فلسطینیها از بیروت شد. دولت صهیونیست اسرائیل با حمله به لبنان سه هدف مشخص را دنبال می‌کرد:

- ۱- نابودی نظامی و سیاسی سازمان آزادی-بخش فلسطین،
- ۲- ایجاد دولتی موی در لبنان به کمک سر-نیزه های اسرائیل و انعقاد قرارداد جداگانه با این دولت،
- ۳- تثبیت دولت اسرائیل بعنوان ابر قدرت منطقه و تحت کنترل گرفتن تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه توسط این دولت (۷).

در پی این شکست، رزمندگان فلسطین در کشورهای مختلف عربی متفرق شده و موقتا نیروی متمرکز خود را از دست دادند. از دست دادن بیروت برای خلق فلسطین زخم دیسر التیامی بود. خلق فلسطین غیرم برداشتن زخمهای سنگین و خیانت رهبران دولتهای مترجع عربی به آرمان این خلق، برای باز پس گرفتن سرزمین اشغالی خویش و تشکیل دولت ملی مستقل خود لحظهای از پیکار باز نمی‌ایستد. همانطور که استعمارگران بریتانیایی قادر به حل بقیه در صفحه ۸

مکانیزه شدن . . .

گروه صنعتی شمالی و برادران، محمدی، بگ-زاده، جعفریای و آخوندزاده بودند ( این انحصارات و تعداد زیادی از صنایع بورژوا-ملاکان بومی اشون بوسیله بنیاد مستضعفان به همان سیوه نعلی اداره میشود ) .

با توجه به افت شدید پنبه در بازارهای جهانی، موهعی که انحصارات " تخم پنبه " و " کینه محلول " بر سر تعیین نرخ محصولات کشاورزی با هم به توافق می رسیدند ( نسر - جدید حتی از هزینه کشت و داشت برداشت نیز پائین تر بود ) ، دهقانان مجبور میشدند به سلف خران و ریاخواران رجوع کنند. صاحبان و سهامداران تمامی این گروههای صنعتی - بهره ریاخواران و سلف خران، از این طریق صاحب هزاران هکتار از مرغوبترین زمینهای ترکمنصحرا شدند .

از سوی دیگر بر مبنای نصب و " مکانیزه " شدن اراضی، در ترکمنصحرا ویژگیهای خاصی بوجود آمده که مسئله ارضی در این منطقه را از مسئله ارضی در سایر نقاط ایران متمایز میکند . اهم این ویژگیها عبارتند از :

۱- معمولاً سرمایه داری ارضی، ریشه در بزرگ مالکی قبل از رفورها دارد . اما در ترکمنصحرا با توجه به اینکه قبل از رفور ارضی، بزرگ مالکی بعنوان سیستم مسلط در این منطقه وجود نداشت، بالطبع سرمایه داری ارضی نیز نمیتوانست معلول تغییر سیستم ارباب - رعیتی به سیستم سرمایه داری وابسته ایران باشد . بنابراین منافع سرمایه داران ارضی در ترکمنصحرا در ریشه در اراضی ضعیبی رضاخان و محمد رضا - شاه دارند، در تقابل مستقیم با منافع اقتصادی دهه ۴۰ و ۵۰ و صیقات خلق ترکمن که بدرجات مختلف و به اشکال گوناگون از جانب این گروه غارت میشدند، قرار گرفت .

یکی از علل توده ای بودن مبارزات دهقانان و شرکت سایر اقشار و صیقات در مبارزات دهقانی، بخصوص زحمتکاران شهری در مقطع انقلاب نیز ناشی از این مسئله میباشد .

۲- بوجود آمدن زمینداری بزرگ " مکانیزه " در ترکمنصحرا، محصول انباشت کلاسیک سرمایه نبوده بلکه نتیجه هجوم سرمایه داری انحصاری وابسته میباشد . عبارت دیگر سرمایه ارضی نه در روند تکاملی درونی جامعه ترکمن بلکه از خارج تزریق گردیده است . بنا بر این، این ملانیزاسیون نه تنها تمامی عرصه های زندگی و دار خلق ترکمن را در بر نگرفته بلکه در کل کشت و کشاورزی نیز بصورت پیدا نکرده است . به همین علت است که بقایای سیستم ارباب - رعیتی که در زمان رضاخان و در سالهای اول حکومت محمد رضا شاه به ترکمنصحرا تحمیل شده بود، ملاکان به حیات خود ادامه میدهد .

عناصر اساسی سیستم ارباب - رعیتی یعنی بهره وری نسبی تولید کننده از محصول کار خود (سهم بری و یا نصفه کاری) در ترکمنصحرا، حتی در عرصه اجاره، ماشین آلات کشاورزی مانند کمباین (۱۰ به یک تا ۱۴ به یک) هنوز نیز به حیات خود ادامه میدهد . عملکرد این عنصر باعث میگردد تا قطب بندی طبقاتی در روستاها بکندی شکل بگیرد . این امر در عرصه مبارزه سیاسی، بصورت ائتلاف اقشار مختلف روستایی، علیه بورژوا - ملاکان نمود پیدا میکند و نه صرفاً بصورت مبارزه " کارگران کشاورزی علیه آنان " . یکی از علل توده ای بودن مبارزه در روستاهای ترکمنصحرا را، بغیر از عملکرد عنصر ملی در جنبش ارضی میتوان در این رابطه دید .

۳- بعد از اصلاحات ارضی در ایران، یعنی در پروسه سلب مالکیت از دهقانان، سپس مهاجرت دهقانان از هستی ساقط بنده نیز به شهرهای بزرگ آغاز گردید و بخش عظیمی از جمعیت روستایی به جمعیت شهری پیوستند . اما در ترکمنصحرا عکس این روند اتفاق افتاده است . بدین ترتیب که، سیل مهاجرین روستایی از استانهای دیگر ایران بخصوص سیستان و بلوچستان به روستاهای ترکمنصحرا بعد از رفور ارضی در ایران، شدت بیسابقه ای یافت . از سوی دیگر نیز، روستائیان سلب مالکیت شده ترکمن، عمدتاً روستاها را ترک نکرده و به شهر-

منابعی که در نوشتن مقاله " تاریخچه مسئله ارضی در ترکمنستان ایران " مورد استفاده قرار گرفتند عبارتند از :

- ۱- ترکمنهای ایران - بی بی رابغه لوگاشوا
- ۲- مالک و زارع در ایران - دکتر لپتون
- ۳- پنجاه نامه تاریخی - ابراهیم صفایی
- ۴- اقتصاد گرگان و دشت - دکتر مصور نرغانی
- ۵- مسئله زمین در صحرای ترکمن - . . .
- ۶- مسئله ارضی در ایران - رفیق شهید اسکندر
- ۷- رخد سرمایه داری در روسیه - لنین
- ۸- کلپیتال جلد دوم - مارکس
- ۹- زندگی و مبارزه خلق ترکمن - از انتشارات کانون فرهنگی - سیاسی "
- ۱۰- بیانیه کانون فرهنگی - سیاسی بمناسبت ۶۳-مین سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان ایران



**درکرامیداشت ...**

مسئله ملی خودتند ه بودند .  
خلق آذربایجان که تحت رهبری شخصیت های ملی و انقلابی خود چون ستارخان ها و باهرخان ها قهرمانانه در انقلاب مشروطه ایران شرکت کرده بودند ، طالب حل ظلمه معضلات ملی و صبقاتی خود بودند . لذا بورژوازی جوان فارس نه خواهان نسب قدرت به معارضه در عرصه جامعه ایران بود ، از همان فردای انقلاب دست به نیرنگهای سیاسی زده و هدفمند پیش رفت . در تعقیب این سیاست بوده که فائیسون اساسی محصول انقلاب مشروطه و اولین قانون انتخاباتی صوبه سالهای ۱۶-۲۱۵ ، ملت فارس را از امتیازات علیحد های برخوردار ساخت . از مجموع ۱۵۶ نماینده مجلس ، حق گزینش ۶۰ نماینده فمص به حوزه تهران واگذار شد . لازم به تذکر است که اکثریت مطلق جمعیت تهران و حوزه را فارسها تشکیل میدادند . در حایند ، منطقه آذربایجان که به لحاظ تعداد جمعیت ، به مراتب خیلی بیشتر از منطقه تهران بود ، حق انتخاب تنها ۱۲ نماینده مجلس را داشت . دیگر اقلیت های ملی حتی کتر از این میزان نماینده داشتند . شوونیم فارس توانسته بود بدین طریق قدرت سیاسی خود را تحکیم و تثبیت کند .

علیرغم اینکه تعداد آذربایجانیهادر زمان وقوع انقلاب مشروطه قریب به ۶ میلیون نفوسر بودند ، زبان رسمی در تمام نقاط ایران منجمله در خود آذربایجان ، زبان فارسی اعلام گردید . از ایجاد مدارس و دانشگاههایی که به زبان آذری در آنها تدریس شود ، صحبتی هم در میان نبود . بدینسان دوره انقلاب مشروطه ، بدون آینده گویه ای از مسائل ملی و طبقاتی خلق آذربایجان را حل کند ، سپری گشت . جنبشهای بعدی نیز نتوانستند این گسره را بکشایند .

ده ها سال بعد یعنی در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ ، پیشروان خلق آذربایجان در جهت حل مسائل ملی و صبقاتی این خلق ، فرقه دموکرات آذربایجان را بنیانگذاری کردند .

فرقه دموکرات در مدتی کوتاه به یک حزرر توده های سراسری در منصفه آذربایجان تبدیل شده و با استقبال همگان مواجه گردید . اولین نشره این حزب نه با مشارکت حدود ۷۰۰ نماینده تشکیل شده بود ، به همراه نمودن مقدمات ایجاد حکومت ملی آذربایجان پرداخت . در این راستا ، نشره خود را مجلس مؤسسان نامیده هیشی مرتب از ۳۹ نفر را بعنوان هیئت ملی برگزید . رهبری فرقه دموکرات و اعضا مجلس بدین امر واقف بودند که بدون دستیابی به قدرت سیاسی امکان حل مسائل ملی و صبقاتی خلق آذربایجان وجود ندارد . روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ ، هیئت ملی با مشارکت ۱۰۱ نماینده در تبریز مجلس ملی آذربایجان را تشکیل داد . در این روز ، مجلس ملی به سید جعفر پیشهوری ، صدر فرقه دموکرات ، مأموریت تشکیل کابینه را داد . در این روز تاریخی بود که جمهوری خود مختار آذربایجان تشکیل شده و اولین حکومت ملی خلق آذربایجان یا به عرصه وجود نهاد . حکومت ملی آذربایجان از بدو تشکیل به اقدامات بنیادی دست زد . از جمله این اقدامات : اصلاحات ارضی عمیق ، تشکیل نیرو های مسلح فدایی جهت دفاع از دستاوردهای جنبش ، ایجاد مدارس و دانشگاهها به زبان آذری ، تأسیس بیمارستانها و درمانگاههای مختلف ، دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی و اجتماعی خلق آذربایجان ، دموکراتیزه کردن انتخابات ، بگونه ای که برای نخستین بار در تاریخ انتخاباتی ایران زنان نیز می توانستند بصور مستقیم شرکت کنند ، سلب مالکیست از سرمایه داران و مالکانی که علیه جمهوری آذربایجان فعالیت تحریبی میکردند .

حکومت ملی آذربایجان که میرفت عمده مسائل ملی و صبقاتی خلق آذربایجان را حل کند ، متأسفانه نتوانست عمر طولانی داشته باشد . رژیم شاه و امپریالیسم جهانی که نمی توانستند وجود حکومت واقعا دموکراتی را در آذربایجان تحمل کنند ، با گسیل ارتش ضد خلقی ایران به سوی آذربایجان ، خلق آذربایجان را وحشیانه سرکوب کرده و حکومت

ملی را سرنگون ساختند .  
آشون بیش از ۲۰ سال از پیروزی و نیز شصت جنبش ۲۱ آذر می گذرد . در طول این ۴۰ سال حوادث بسیاری در آذربایجان و سراسر ایران اتفاق افتاده است . فرقه دموکرات آذربایجان که زمانی نه تنها در سراسر آذربایجان قدرت سیاسی را در دست داشت و از نفوذ توده های برخوردار بود ، بلکه ایران نیز دارای محبوبیتی قابل ملاحظه بود . بدنیال سقوط حکومت ملی آذربایجان و مهاجرت رهبران فرقه دموکرات به اتحاد شوروی رژیم شاه بر اوضاع آذربایجان کاملاً مسلط شده و دیکتاتوری خود را در این دیار ابقا کرد . شصت جنبش ملی و دموکراتیک ضربه بزرگی بود بر خلق آذربایجان . در شکست جنبش انقلابی خلق آذربایجان عوامل داخلی و خارجی هر یک بدسه خود نقش بزرگی ایفا کرده اند . رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیسم انگلیسر و آمریکا از یسو و حزب توده ایران و سیاست استالین از سوی دیگر از عوامل تعیین کننده در سرنگونست جنبش ملی دموکراتیک خلق آذربایجان بوده اند . فرقه دموکرات که از همان آغاز در ارتباط تنگاتنگی با حزب توده ایران قرار داشت با طحق شدن به این حزب در سال ۱۳۳۷ بطی استقلال خود را از دست داده در حزب توده ایران مستحل شد . باقیمانده رهبری فرقه دموکرات بجای اینست به یافتن ظل واقعی شکست جنبش بپردازند و مجدانه در صد در صد افتخارات و نقاط ضعف و تقویت نقاط موت فرقه دموکرات و جنبش ملی و دموکراتیک خلق آذربایجان برآیند ، با اقدام خود مبنی بر ادغام و در نهایت مستحل ساختن فرقه در حزب توده ایران ، خود ضربه وارده بر جنبش را تمیل نمودند .

اگر باقیمانده رهبری فرقه دموکرات آذربایجان همانند رهبران حزب دموکرات دردستان ایران از استقلال سازمانی خسود چون مردمك چشم حراست میکردند و بجای راحت طلبی در مهاجرت و گردن نهادن به دیکتاتوری استالینی و همنوایی با اپورتونیسیم بقیه در صفحه ۸ ،

## رویدادهای جهان

### انتخابات در کره جنوبی

از صندوقهای انتخاباتی ۱۶ دسامبر ۱۹۸۷ کره جنوبی، زئرال روه تائه وو، همکار نزدیک دیکتاتور جو رئیس جمهوری کره جنوبی، بعنوان برنده بیرون آمده و داندیدای دیگر ریاست جمهوری، ایم یانگ سام و ایم دائه یونگ بودند که هر دو از مخالفین دیکتاتوری نظامی حاکم در کره جنوبی بشمار آمده و خواهان ایجاد حکومتی با روح دموکراسی غریب اند. کیم یانگ سام و ایم دائه یونگ که رهبری دو حزب اپوزیسیون را بعهده دارند، قبل از انتخابات مذاکرات متعددی درباره ائتلاف و تعیین داندیدای مشترک از طرف دو حزب بعمل آوردند. لذا این مذاکرات بدون اینکه نتیجه ای بهمراه داشته باشد به بن بست منجر شد. هر دو کیم بعنوان داندیداهای احزاب خود مستقلاً وارد کارزار انتخاباتی با زئرالها شدند. در مقابل زئرال روه که ۳۶٪ کل آرا را بجنگ آورده است، کیم یانگ سام دارای ۲۷٪ و ایم دائه یونگ دارای ۲۶٪ کل آرا بودند. اگر دو کیم در مذاکرات قبل از انتخاباتی خود ائتلاف کرده و بجای دو داندیدای جداگانه یک داندید مشترک برای انتخابات ریاست جمهوری معرفی می کردند، حتی امکان دست یافتن به اکثریت مطلق آرا را نیز داشتند. احزاب اپوزیسیون زئرال روه را به تقلب در انتخابات متهم کردند؛ اتهامی که در واقع

اشغالی فلسفین نشین و آتر کشودن به سوی تصاهرشندگان و بقتل رساندن قریب به ۵۰ نفر از آنان، بار دیگر به فشار خلق فلسفین پرداخته است. سیاست سرکوب اسرائیل علاوه بر محکوم شدن از طرف سازمان ملل و شورهای صلح دوست جهان، حتی از طرف نزدیکترین متحدین این دولت یعنی آمریکا و آلمان فدرال نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. سختگوی شایع در این رابطه گفت: "بنا برگیری غلوآمیز و حسن کلوله... نمی تواند جای مذاکره واقعی را بشیرد". از طرف دیگر کنگره آمریکا اخیراً قانونی را از تصویب گذراند که صبق آن هیئت نظارت سازمان آزادی بختر فلسفین در سازمان ملل متحد در نیویورک بعنوان نایبند سازمان تروریستی باید تعصیل گردد. نماینده وزارت خارجه آلمان فدرال نیز در اسراف حسابات فوق ضمن ابراز نگرانی خود از عملیات ارتش اسرائیل یافتن راه حل مسالمت آمیز را بدولت اسرائیل توصیه کرد. نگرانی دول امریالیستی درباره حوادث مناطق اشغالی و اسرائیلی بیشتر از این بابت است که میاداد جنبش فعلی فلسفین به انقلابی فراروشیده و موقه پیت دولت صهیونیستی اسرائیل را به مخاطره انداخته و بدینصریق منافعی این دول را تهدید کند.

بی پایه نیست و از طرف هیئت های بیطرز بین المللی که ناصر انتخابات در کره جنوبی بودند، نیز مورد تأیید واقع شد.

فردای اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری و محرز شدن تغلب زئرالهای حاکم، دانشجویان کره ای دست به تظاهرات زده و در مقابل حملات پلیس مقاومت کردند. اکنون نا آرامی تمامی نقاط کره جنوبی را فرا می گیرد. این کشور آستان حوادث جدیدی است.

### جنبش رده ایی بختر خلق فلسفین اوچبشیرد

مدتی است که تظاهرات و اغصاب عمومی فلسفینهای مناطق اشغالی دولت صهیونیستی اسرائیل هر روز ابعاد بیشتری بخود میگیرد. دولت اسرائیل که چند سال پیش با سرکوب فلسفینها در بیروت و جنوب لبنان می پنداشت که صدای حق طلبانه این خلق را فرو نشانده است، اکنون شاهد اوج گیری جنبش رده ایی بختر خلق استعدیده فلسفین است. ارتش سرکوبگر اسرائیل دیگر بار و نده، در هم کوبیدن فلسفینها را داده فریاد بر میآورد که حتی مدعی در برابر خلق فلسفین عقب نخواهد نشست و برای "حفظ نظم و امنیت" به هر کاری دست خواهد زد!

دولت اسرائیل با اعزام ارتش خود به مناطق

### عمل غیر انسانی دولت فرانسه

دولت فرانسه با این عمل ضد حقوق بشر و غیر قانونی خود ثابت کرده هدف آن از برآه انداختن هیاهوی پوچ "جنگ سفارتخانه ها" چیزی جز استتار معاملات پنهانی خود با دولت جنایتکار خمینی و تحت الشعاع فرار دادن افکار عمومی فرانسه از انقضای ماجرای فروش سلاحهای فرانسوی به ایران، نبود. از سوی دیگر این عمل غیر قانونی دولت فرانسه بیانگر آستنه هرگاه پای منافع آزمندانسه سرمایه داران و بخصوص صاحبان صنایع

با دستگیری و تبعید ۱۷ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و ۳ نفر از مبارزان ترک به لاین در غرب آفریقا و مبادله وحیدگرینی که متهم به رهبری تروریستهای رژیم خمینی در اروپا و سازماندهی بمب گذاریها در فرانسه بوده، با "پل توری" کنسول فرانسه در ایران و با آزاد شدن دو گروگان فرانسوی در لبنان و باز پرداخت بخشی از طلب ایسران (۲۳۰ میلیون دلار) از طرف فرانسه به رژیم خمینی، "جنگ سفارتخانه ها" پایان یافت.

### کمکهای مالی رسیده:

چنگیز ملاخان از سوئد ۱۰۰۰ کرون

" " " " کوزکلان

" " " " اورجان

" " " " نور بردی

" " " " ملا نفس

" " " " ترکمن

آق اویلی " آلمان غربی ۵۰ مارک

آدرس در خارج از کشور

PLK

Nr. 117009 C

5000 KÖLN 1

WEST GERMANY

باید ارباد خاطر شهیدای جاوید خلق ترکمن!